

۱۱۱. گزینه ۲

ترجمه: هنگامی که شروع به مشاهده تغییرات مثبت در نحوه حرکت و نگه داشتن بدن خود می کنید، رها کردن یوگا و پیلاتس سخت می شود.

(۱) فهمیدن، متوجه شدن (۲) رها کردن، ترک کردن (۳) برنامه ریزی کردن، فهمیدن (۴) رابطه خوبی داشتن با، سازگار بودن با

۱۱۲. گزینه ۳

ترجمه: لطفاً نام خود را خلاصه نکنید، بلکه در عوض امضای کامل خود را روی خط بنویسید.

(۱) به خاطر آوردن (۲) دستور دادن، دیکته کردن (۳) خلاصه کردن (۴) تشخیص دادن، شناسایی کردن

۱۱۳. گزینه ۱

ترجمه: این پدر من بود که خوشبختانه این اندیشه را در من ترغیب کرد که من و من به تنهایی مسئول زندگی خودم و کاری که می کنم و نمی

کنم و نظرات و عقایدم هستم و ثابت شده است که یک منبع قدرت بزرگ است.

(۱) قدرت، قوت (۲) میراث (۳) فشار (۴) تولید، نسل

۱۱۴. گزینه ۴

ترجمه: در موقعیت ها و محیط های خاص درک این نکته مهم است که چرا مردم درخواست های معقول، مانند درخواست کمک مالی به یک

خیریه مشروع را نمی پذیرند.

(۱) مهمان نواز، زیست پذیر، مساعد (۲) بخشنده، سخاوتمندانه (۳) متوسط، میانی (۴) معقول، منطقی

۱۱۵. گزینه ۲

ترجمه: من فکر می کنم هنرمند بودن معمولاً به فداکاری زیادی احتیاج دارد و می دانم که به نظر شبیه کلیشه است، اما این درست است زیرا به

زمان زیادی نیاز دارد، نیاز به آزادی دارد که ناگهان برنامه های خود را در یک لحظه تغییر دهید.

(۱) احتمال (۲) توجه، اعلان (۳) نکته، انعام (۴) هزینه

۱۱۶. گزینه ۱

ترجمه: گاهی اوقات، اوضاع واقعاً خشم آمیز خواهد شد و درگیری ها آغاز خواهد شد. این واقعاً مرا متعجب می کند زیرا در کره مهم نیست که

چقدر شلوغ یا پر ازدحام شود، مردم معمولاً سر یکدیگر فریاد نمی کشند.

(۱) موضوع، مساله (۲) روش (۳) شگفتی (۴) غافل گیری

نکته: به عبارت no matter به معنی «صرف نظر از، فرقی ندارد که» توجه کنید.

۱۱۷. گزینه ۳

ترجمه: تاجر متکبر دوست داشت در ارزش خالص خود را اغراق کند تا به نظر برسد که او پول بسیار بیشتری از آنچه در بانک بود داشت.

(۱) از بر خواندن (۲) قدر دانستن، درک کردن (۳) اغراق کردن، بزرگنمایی کردن (۴) اختصاص دادن، وقف کردن

۱۱۸. گزینه ۴

ترجمه: وقتی شوهرش را از دست داد، هیچ وسیله ای برای کسب درآمد بیشتر برای خودش یا بچه هایش نداشت و در سطح اقتصادی-اجتماعی او نیز بیرون رفتن و کار کردن برای یک زن مناسب نبود.

(۱) انتظار داشتن (۲) تأثیر گذاشتن (۳) احترام گذاشتن (۴) در نظر گرفتن، تلقی کردن، دانستن

۱۱۹. گزینه ۲

ترجمه: کارمندان جلوی خانه ویلارد مانند دربان حداقل به دو زبان صحبت می کنند. دو زبانه بودن یک الزام مطلق نیست، اما طبق گفته وندی کلبی، مدیر منابع انسانی، مطلوب است.

(۱) ارتباط (۲) الزام، نیاز (۳) مدرک، سند (۴) تنوع، گوناگونی

۱۲۰. گزینه ۱

ترجمه: عدم رضایت از توضیحات متعارف برای انقراض دایناسورها منجر به مشاهده ای شگفت آور شد که به نوبه خود، فرضیه جدیدی را مطرح کرده است.

(۱) پیشنهاد کردن، مطرح کردن (۲) جایگزین کردن (۳) مبادله کردن (۴) به دست آوردن

۱۲۱. گزینه ۴

ترجمه: من سعی کرده ام تصویر چهره غمگین مادرم را فراموش کنم، اما این همچنان به ذهن من برمی گردد.

(۱) احضار کردن، تداعی کردن (۲) تحمل کردن (۳) ظاهر شدن، رخ دادن (۴) تلاش برای فراموش کردن، محو کردن

۱۲۲. گزینه ۳

ترجمه: در زمان مویر، اساساً فقط دو جناح مشغول درگیری بر سر استفاده از زمین بودند. این گروه ها در مورد یک مسئله مهم، حفظ یا توسعه زمین، اختلاف نظر داشتند.

(۱) متمایز کردن، تشخیص دادن تفاوت (۲) چیره شدن، تسلط داشتن (۳) اختلاف داشتن (۴) صرف نظر کردن، تسلیم شدن

۱۲۳. گزینه ۲

ترجمه: اگر رژیم خود را کنار بگذارید ، کالری اضافی باعث می شود تمام وزنی که از دست داده اید را برگردانید.

(۱) فرعی، ثانوی، پیرامونی (۲) خارجی، نامربوط (۳) معادل، برابر (۴) ناپایدار، بی ثبات

۱۲۴. گزینه ۱

ترجمه: ما زمان کافی را صرف بررسی در تمام راه های مختلف رسیدن به خانه کردیم ، قبل از اینکه تصمیم بگیریم پرواز کنیم.

(۱) نهایتاً، سرانجام (۲) به زودی (۳) عمداً، آگاهانه (۴) منحصرأ، فقط

۱۲۵. گزینه ۴

ترجمه: محل برگزاری جلسه محیطی دوست داشتنی و گرم داشت. و ما در آنجا بسیار راحت بودیم.

(۱) شیوع، رواج، تداول (۲) خیرخواهی، سخاوتمندی (۳) صلاحیت، کفایت (۴) محیط، جو